



توراه اور • پاراشاها וישב • مامار 1

וישב יעקב בארץ מגורי אביו בארץ כנען

«و يعقوب (יעקב) در سرزمین اقامت‌های
پدرش، در سرزمین کنعان (کنعן) ساکن شد»



تقديم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربّه، رب لیوی بییتسחק

LikuteiTorah.com



پاراشای حسیدی

/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/vayeishev/1

1 וישב יעקב בארץ מגורי אביו בארץ כנען. להבין ענין זה גם כפל לשון בארץ מגורי אביו בארץ כנען.

«يعقوب (יעקב) در سرزمین اقامتگاه‌های پدرش، در سرزمین کنعان (کنعן) ساکن شد.» [باید] این مطلب و نیز تعبیر دوگانه «در سرزمین اقامتگاه‌های پدرش» [و] «در سرزمین کنعان» را بفهمیم.

הנה כתיב אתהלך לפני ה' בארצות החיים. שיש שני ארצות שהם ב' בחינת כלים להשראת חיים עליונים

اکنون نوشته شده است: «در سرزمین‌های زندگان، پیش روی ה' گام خواهیم زد»: [یعنی] دو سرزمین وجود دارد که دو مرتبه از ظرفها برای استقرار حیات برین‌اند.

(וכמו חיים לשון רבים כך ארצות לשון רבים). וביאור הענין צריך להבין למה נק' א"י [ארץ ישראל] בכל התורה ארץ כנען.

(و همان‌گونه که «حیات» [חיים, chayim] به صورت جمع است، «سرزمین‌ها» نیز به صورت جمع است). و برای توضیح مطلب، باید بفهمیم چرا در سراسر تورات، سرزمین اسرائیل «سرزمین کنعان» نامیده می‌شود.

והרי חם הוא אבי כנען ומה הוא היחוס שבח א"י [ארץ ישראל] בזה (גם להבין מ"ש כנען בידו מאزני מרמה) גם מה שכתוב ולא יהיה כנעני עוד בבית ה' צבאות ביום ההוא.

حال آنکه حام (חם) پدر کنعان است؛ پس این تبار چه ستایشی برای سرزمین اسرائیل به شمار می‌آید؟ (همچنین [باید] بفهمیم مراد از این نوشته چیست: «کنعان: در دست او ترازوی فریب است.») نیز آنچه نوشته شده است: «و در آن روز، دیگر کنعانی‌ای در خانهٔ ه' سپاه‌ها نخواهد بود.»

הנה נודע שכל התורה כולה נדרשת בזה לעומת זה כי כמו שיש לבן ועשו בקליפה

اکنون معلوم است که سراسر تورات بر پایهٔ [شیوهٔ] «یکی در برابر دیگری» تفسیر می‌شود: همان‌گونه که لابان (לבן) و عیسو (עשו) در پوسته (کلیפה, kelipah) وجود دارند،

וכן שר הטבחיים ושר המשקים וכו'. כך יש כל בחי' אלו בקדושה כי זה לעומת זה עשה אלהים.

و نیز سرکردهٔ قصابان و سرکردهٔ ساقیان و جز اینها؛ به همین ترتیب، همهٔ این مراتب در قداست وجود دارند، زیرا «אלקים (Elokim) یکی را در برابر دیگری آفرید.»

2 והנה שלשה בני נח הם למעלה בקדושה ג' בחי' גווני קשת חיור سومק ירוק.

اینک، سه پسر نوح (נח) در بالا، در قلمرو قدوسیت، سه مرتبه‌اند: رنگ‌های رنگین‌کمان، سفید، سرخ و سبز.

אלא שבהשתלשלות העולמות בבחינת נפילה ממדרגה אחר מדרגה נעשה חם גשמי אבי כנען. ולהבין ענין כנען בקדושה הנה כנען פירוש סוחר כמ"ש כנעניה נכבדי ארץ.

اما در زنجیره نزولِ عوالم (השתלשלות, hishtalshelus), بر اثر سقوط از مرتبه‌ای به مرتبه‌ای دیگر، به حام جسمانی، پدر کنعان (כנען)، بدل شد. و برای فهمیدن معنای کنعان در قدوسیت: «کنعان» به معنای بازرگان است، چنان‌که نوشته شده است: «بازرگانانش (כנעניה, kin'aneha) بزرگانِ زمین‌اند.»

3 וכתוב כנען בידו מאזני מרמה. היינו עד"מ כמו הסוחר שיפזר ממון כסף וזהב ומוציאם מרשותו כדי להרויח ולהשתכר וכל עיקר כוונתו להיות מפזר ונוסף עוד.

و نوشته شده است: «کنعان، در دست او ترازوی فریب است.» یعنی، به‌مثال، مانند تاجری که پول، نقره و طلا را پراکنده می‌کند و آنها را از تملک خود بیرون می‌برد تا سود کند و درآمد به دست آورد؛ و تمام مقصودش این است که پراکنده کند و افزون‌تر به دست آورد.

כך הנה מקור נשמת ישראל שהוא בחי' כנ"י [כנסת ישראל] נמשלה בגלות לסוחר זה כדכתיב בא אחיך במרמה ויקח ברכתך. כי הנה כתיב עת אשר שלט האדם באדם לרע לו.

پس منشأ نفوس اسرائیل، که مرتبهٔ جماعت اسرائیل (כנסת ישראל, Knesses Yisrael) است، در تبعید به این تاجر تشبیه شده است؛ چنان‌که نوشته شده است: «برادرت با فریب آمد و برکت را گرفت.» زیرا نوشته شده است: «زمانی که انسان بر انسان فرمان راند، به زیان او.»

שע"י התלבשות השכינה בבחי' גלות בתוכם להשפיע להם ע"י זה מתבררים כל ניצוצות הקדושה כמו שאמרו רז"ל [רבתינו זכרונם לברכה] לא גלו ישראל אלא להוסיף עליהם כו' להיות בלע המות וכו'.

زیرا از رهگذر پوشیده‌شدنِ حضورِ الهی (שכינה, Shechinah) در هیئتِ تبعید، در میان آنان و برای افاضه به ایشان، همهٔ جرقه‌های قدسی پالوده می‌شوند؛ چنان‌که حکمای ما، یادشان برکت باد، گفته‌اند: «اسرائیل به تبعید نرفت مگر برای آنکه [گروندگان] بر آنان افزوده شوند»، و غیره، تا «او مرگ را ببلعد»، و غیره.

4 ואת רוח הטמאה אעביר מן הארץ ונגלה כבוד ה' כי עין בעין יראו וגו'. וכמו שהוא בכללות העולם כך הוא בפרטות בכל נפש מ'שראל בעבודת ה'.

«و روح ناپاکی را از زمین خواهم زدود»؛ «و شکوه نام چهارحرفی (ה', Havayah) آشکار خواهد شد»؛ «زیرا چشم در چشم خواهند دید» و الی آخر. و همان‌گونه که این امر در جهان به‌طور کلی است، در هر یک از جان‌های اسرائیل نیز به‌طور خاص، در خدمتِ ה' چنین است.

כי הנה הנשמה טרם ירידתה לעולם הזה להתלבש בגוף ונפש החיונית הבהמית היתה קשורה ומיוחדת במקורה ושרשה במאצילה ברשפי אש האהבה בטבע כשלהבת העולה מאליה כו'

זیرا پیش از فرود آمدنِ نفس به این جهان، تا در بدن و در نفیس حیوانی حیات بخش (نפש הבהמית, Nefesh HaBahamis) پوشیده شود، با سرچشمه و ریشه‌اش، یعنی با آن‌که آن را صادر کرده بود، پیوند و یگانگی داشت؛ با شراره‌های آتش عشق، به‌طور طبیعی، همچون شعله‌ای که خودبه‌خود به بالا برمی‌خیزد و الی آخر.

והיה לה בחי' אהבה ויראה טבעי' [טבעיים] בגילוי רב שהוא בחי' כסף וזהב. כסף מלשון נכסף נכספת דהיינו בחי' אהבה.

و مرتبة عشق و هیبت (**אהבה وיראה**, ahavah veyirah) طبیعی در او با آشکارگی بسیار حضور داشت؛ این همان مرتبه / جنبه (**בחינה**, bechinah) «نقره و طلا» است. «نقره» (כסף, kesef) از تعبیر «**نכסף نכسפת**» (nichsof nichsafta)، یعنی «بسیار مشتاق شدی»، گرفته شده است؛ یعنی مرتبه عشق.

5 وזהב מצפון יאתה שהוא בחי' שמאל שהוא בחי' יראה ואח"כ כשירדה הנשמה לעולם הזה להתלבש בגוף הגשמי

و «طلا از شمال می‌آید»؛ این مرتبه چپ است، که مرتبه هیبت است. و سپس، هنگامی که روح به این جهان فرود آمد تا در قالب جسمانی پوشانده شود،

הנה גם בחי' אהבה ויראה שהיה לה הם מסותרות ומכוסות בלב הגשמי ואינה יכולה לראות באהבה ויראה בהתגלות כל כך כבתחלה، ونמצא שנגרעו האהבה ויראה מערכם.

حتی مرتبه عشق و هیبتی که داشت (**אהבה وיראה**, ahavah veyirah)، در دل جسمانی پنهان و پوشیده است، و دیگر نمی‌تواند **אהבה وיראה** را چنان آشکارا که در آغاز می‌دید، بنگرد؛ پس معلوم می‌شود که از اندازه **אהבה وיראה** کاسته شده است.

6 וא"כ למה זה ירדה הנשמה לעוה"ז מאחר שהיא ירדה גדולה וגרעון גדול מבתחילה. אך הנה כתיב טוב לי תורת פיך מאלפי זהב וכסף.

اگر چنین است، پس چرا روح به این جهان فرود آمد، حال آنکه این فرود، نزولی بزرگ و کاستی‌ای عظیم نسبت به پیش از آن است؟ اما نوشته شده است: «توراتِ دهان تو برای من از هزاران طلا و نقره بهتر است.»

אלפי לשון לימוד כלומר שיש לי יתרון ומעלה בתורת פ'ך בעוה"ז יותר מבחי' זהב וכסף שהיתה הנשמה למודה בהם בתחלה.

«هزاران» (אלפי, alfei) تعبیری از آموختن است. یعنی: در «تورات دهان تو» در این جهان برتری و فضیلتی دارم، بیش از مرتبه (בחینه, bechinah) «طلا و نقره» ای که روح در آغاز به آن خو گرفته بود (لمודה, lemudah).

7 והענין כמו שאמרו רז"ל [רבתינו זכרונם לברכה] יפה שעה אחת בתשובה וכו' כי ע"י תשובה עילאה מעומקא דלבא תהיה דביקת הנפש באלהים חיים יותר נפלאה ברעותא דלבא

و مضمون چنین است، چنانکه حکیمان ما، یادشان برکت باد، گفتند: «یک ساعت در بازگشت (تשובה, teshuvah) بهتر است...»؛ زیرا از رهگذر بازگشت برتر (تשובה عیلا, teshuvah ila'ah)، از عمق دل، پیوند نفس با **אלקים** زنده، به واسطه اشتیاق دل (رעותא דלבא, re'usa deliba)، شگفت‌انگیزتر خواهد بود.

כמ"ש לקמן, ונמצא שאע"פ [שאף על פי] שיש לה גרעון באהבה ויראה טבעי [טבעיים] שבחיצונית הלב הגלויים מ"מ יהיה לה יתרון בבחי' רעותא דלבא בנקודת פנימית הלב כיתרון האור הבא מן החשך דוקא.

چنانکه در ادامه توضیح داده خواهد شد. پس روشن می‌شود که هرچند در عشق و هیبت طبیعی (אהבה وיראה, ahavah veyirah) که در بُعد بیرونی دل (חיצוניות, chitzoniyus) آشکارند، نقصان دارد، با این حال در مرتبه (בחینه, bechinah) اشتیاق دل، در نقطه بُعد درونی دل (פנימיות, pnimiyus)، برتری خواهد یافت؛ همچون «برتری نور [که از تاریکی می‌آید]»، و به‌ویژه.

8 וביאור הענין כי הנה כתיב אני ראשון ואני אחרון ומבלעדי אין אלהים. פי' ע"ד מ"ש אני ה' לא שניתי ואתה הוא קודם שנברא וכו'

و توضیح مطلب این است: نوشته شده است: «من نخستینم و من آخرینم، و جز من هیچ **אלקים** (Elokim) دیگری نیست.» یعنی، بر مبنای آنچه نوشته شده است: «من، **ה'**، تغییر نکرده‌ام»، و «تو [همان] بودی پیش از آنکه جهان آفریده شود»، و مانند آن.

כלי שום שינוי כי אין בריאת עולמות עליונים ותחתונים תופסים מקום כלל וכולא קמיה כלל השיב ממש.

بی‌هیچ تغییری؛ زیرا آفرینش عوالم بالا و پایین اصلاً جایی را اشغال نمی‌کند، و «همه در برابر او حقیقتاً هیچ به‌شمار می‌آید.»

9 ומבלעדי פי' מה שהוא זולת בחי' זו דהיינו באמצעות הזמן שנראה העולם ליש ודבר בפ"ע [בפני עצמו]

בחי' זמן ומקום אין אלהים זולתי שהוא בחי' אלהים חיים ומלך עולם

و «جز من» به معنای آن چیزی است که بیرون از این مرتبه (بחינה, bechinah) است؛ یعنی در میانهٔ زمان، هنگامی که جهان چون موجودی قائم به خود و چیزی مستقل، در مرتبهٔ زمان و مکان، پدیدار می‌شود: [در آنجا] «جز من هیچ اלקים (نام اלקים, Elokim) دیگری نیست»؛ یعنی مرتبهٔ «الקים زنده و پادشاه جاودان»،

کماמר ומבלעדיך אין לנו מלך גואל וכו' שכל העולמות עליונים ותחתונים נתהוו מבחי' מלכותו ית'

چنان‌که در این گفته آمده است: «و جز تو پادشاه و رهاننده‌ای نداریم»، و غیره؛ زیرا همهٔ عوالم برتر و فروتر از مرتبهٔ فرمانروایی (ملכות, Malchus) او، که متبارک است، پدید آمده‌اند،

וכדכתיב מלכותך מלכות כל עולמים וגו' ושם עלו השגת כל הנבראי' [הנבראים] העליונים ותחתונים

[وتחתונים] אבל בהקב"ה בכבודו وבעצמו לית מחשבה תפיסא ביה

چنان‌که نوشته شده است: «فرمانروایی تو فرمانروایی همهٔ عوالم است»، و غیره. ادراک همهٔ آفریدگان برتر و فروتر تا همین‌جا می‌رسد. اما قدوس متبارک (הקב"ה, Kudsha Brich Hu)، در جلال و ذات خویش، «هیچ اندیشه‌ای او را در نمی‌یابد»،

כי הוא רם ונשא מגדר ההשגה ואינו נתפס בתוך עלמין לא בבחי' ממלא ולא בבחי' סובב בשום שכל

והשגה בעולם אלא ברעותא דלבא מקרב איש ולב עמוק.

زیرا او برتر و والاتر از حدود ادراک است و درون عوالم به چنگ نمی‌آید؛ نه در مرتبهٔ [نوری که] [همهٔ عوالم را] پر می‌کند و نه در مرتبهٔ [نوری که] [آنها را] فرا می‌گیرد؛ هیچ عقل یا ادراکی در عالم نمی‌تواند او را دریابد، بلکه تنها با خواستِ دل، «از درون انسان و با دلی ژرف».

10 וכמ"ש ממעמקים קראתיך ה' מפני כי בחי' רעותא דלבא נמשך מהתבוננות זו עצמה אם ישים אליו לב

דלית מחשבה תפיסא ביה כלל והוא רם ונשא למעלי' [למעלה / למעלת] מעלה עד אין קץ ותכלית אפילו

מבחי' חכמה עילאה.

چنان‌که نوشته شده است: «از ژرفاها تو را خوانده‌ام، ای ה'». زیرا مرتبهٔ خواستِ دل از همین تأمل سرچشمه می‌گیرد، اگر دل به آن متوجه شود؛ اینکه هیچ اندیشه‌ای مطلقاً نمی‌تواند او را دریابد، و او بلندمرتبه و برافراشته است، پیوسته بلندتر و بلندتر، بی‌انتهای و بی‌کران، حتی فراتر از مرتبهٔ حکمت (חכמה, Chochmah) اعلیٰ.

אי לזאת תכסף ותכלה נפשו לבטל במציאות אליו יתב' [יתברך] לצאת ממאסר הגוף נרתקה ולהשתפך אל חיק אביה

از این رو نفسش مشتاق و بی‌تاب می‌شود تا وجودش در برابر او، متبارک باد، به حالتِ خودنهی‌گری (بیטول, bittul) درآید؛ از زندانِ بدن، غلافِ آن، بیرون آید و خود را در آغوش پدرش بریزد.

משא"כ הנשמה טרם ירידתה להתלבש בגוף היתה אהבתה ודבקותה בשרשה לפ"ע [לפי ערך] השגתה וכן לענין היראה:

اما نفس پیش از نزولش برای پوشیده‌شدن در بدن چنین نبود: عشق و پیوندش به ریشه‌ی خویش متناسب با [اندازه] ادراکِ خود بود؛ و در بابِ هیبت نیز چنین بود.

11 והנה בזמן שהיה בהמ"ק [בית המקדש] קיים היה נמשך בחינה זו רעותא דלבא מגילוי אא"ס [אור אין סוף]

ב"ה בהיכל קדשי קדשים כו' כמ"ש בתניא להיות בטל רצונו לרצונו ית' וכמ"ש כי תהיו לי ארץ חפץ.

اکنون، در روزگاری که بیت‌المقدس برپا بود، این مرتبه از اشتیاقِ دل از تجلیِ نورِ بی‌پایان (اور אין سوف, Or Ein Sof)، متبارک باد، در تالارِ قدس‌الاقداس جاری می‌شد و جز اینها؛ چنان‌که در تانیا (تניא) توضیح داده شده است، تا اراده (רצון, ratzon) انسان در برابر اراده‌ی او، متبارک باد، به خودنهی‌گری (بیטول, bittul) برسد؛ و چنان‌که نوشته شده است: «زیرا شما برای من سرزمینی دلخواه خواهید بود.»

אך בזמן הגלות הנה כתיב ובקשתם משם את ה' אלקיך ומצאת וגו' משם דייקא דהיינו כשתתבונן על ההיפוך מדרכי ה' איך שהוא רחוק מה' בתכלית הריחוק כמו עובר רצונו

اما در دورانِ تبعید، نوشته شده است: «و از آنجا، ه' شما را خواهید جست و خواهید یافت [او را]»، و جز اینها. «از آنجا» مشخصاً؛ یعنی هنگامی که نقطه‌ی مقابلِ راه‌های ه' را در نظر می‌گیرید و می‌بینید که چه اندازه از ه' دور است، با دوری‌ای به نهایت، مانند کسی که از رצון او سرپیچی می‌کند؛

ומאין נשפע להם שפע וחיות להיות בהם חיות וקיום מרצונו ית' שרצונו ית' הוא המחיה אותם כמ"ש ואתה מחיה את כלם.

و [در نظر بگیر] که فراوانی و نیرویِ حیات (חיות, chayus) از کجا به آنان می‌رسد، تا از رצון او، متبارک باد، حیات و هستی داشته باشند؛ زیرا رצון او، متبارک باد، به آنان حیات می‌بخشد، چنان‌که نوشته شده است: «و تو به همگی حیات می‌بخشی.»

אך על זה אמרו כמה ארך אפים לפניו שמבחי' ארך אפים נמשך ונשתלשל ממדרגות עליונות דרך נפילה להחיות העכו"ם [העובדי כוכבים ומזלות] אף שהם עובדי רצונו.

اما درباره این، گفتند: «چه بردباری درازی در پیشگاه اوست!»، زیرا از مرتبه بردباری دراز (ארך אפים, erech apayim) جریان می‌یابد و از مراتب برتر، از راه سقوط، فرود می‌آید تا به ملت‌های بت‌پرست حیات ببخشد، هرچند از رצון او سرپیچی می‌کنند.

12 وזהו אם לעובדי רצונו כך לעושי רצונו על אחת כמה וכמה שיושפע בחינת רצון עליון שהוא למעלה מעלה מגדר עלמין

و این [استدلال] چنین است: اگر [چنین است] درباره کسانی که از اراده (רצון, ratzon) او سرپیچی می‌کنند، پس درباره کسانی که اراده او را به‌جا می‌آورند، به طریق اولی، مرتبه (בחינה, bechinah) اراده برتر به آنان افزوده خواهد شد؛ اراده‌ای که بسیار، بسیار فراتر از حدود عوالم است:

שלא בבחי' ירידת והשתלשלות המדרגות בבחי' חכמה ומדות אלא בבחי' פנימית נקודת הלב שהיא בחי' תשובה עילאה שקדמה לעולם. וזהו כי תדרשנו בכל לבבך ובכל נפשך.

نه از راه فرود و زنجیره مراتب (השתלשלות, hishtalshelus)، در مرتبه חכמה (Chochmah) و صفات عاطفی (مדות, middos)، بلکه در בחינה نقطه درونی قلب، که בחינה بازگشت برتر (תשובה, teshuvah) است؛ بازگشتی که پیش از جهان بود. و این [معنای] «هنگامی که او را با تمام قلبت و با تمام جانت بجویی» است:

דהיינו שיהפך לבו מן הקצה אל הקצה ואתהפכא חשוכא לנהורא ע"י בחי' רעותא דלבא זו למאוס בחי' עוה"ז ותענוגים ולמשוך לבו ונפשו לדבקה בו ית'.

یعنی قلبش از یک کرانه به کرانه دیگر دگرگون شود و «تاریکی به نور بدل شود»، به واسطه בחינה این خواست دل: زندگی و لذت‌های این جهان را خوار بشمارد و دل و جان را به سوی پیوستن به او، که متبارک است، بکشد.

13 והנה כל זה ע"ד משל הסותר הנ"ל שמוציא כסף וזהב מרשותו להיות מפזר ونוסף עוד.

اکنون، همه اینها بر وفق تمثيل بازرگانی است که پیش‌تر یاد شد؛ بازرگانی که نقره و طلا را از تملک خود بیرون می‌گذارد تا «بپراکند و افزون‌تر به دست آورد».

כך הנשמה אע"פ [אף על פי] שמוציאה כסף וזהב שהוא בחי' אהבה ויראה הגלויים להתלבש ולהסתיר בגוף ונפש הבהמית הנה עי"ז יש לה יתרון בבחי' רעותא דלבא כרשפי אש מן ההפוך.

روح نیز چنین است: هرچند نقره و طلا را - که همان مرتبه / جنبه (בחینه, bechinah) عشق و هیبت (אהבה وיראה, ahavah veyirah) آشکار است - از خود بیرون می‌دهد تا در بدن و نفس حیوانی (نפש הבהמית, Nefesh HaBahamis) پوشیده و پنهان شود، از این راه در مرتبه اشتیاق دل، که همچون شراره‌های آتش از ضد آن برمی‌خیزد، برتری می‌یابد.

14 וזהו וחם הוא אבי כנען בזקף גדול שחמימות רשפי אש ושללהבת העולה למעלה מההיפוך הוא העושה בחי' כנען לסחור כנ"ל כמ"ש טעמה כי טוב סחרה וגו'.

و این [معناي] «و حם (Cham) [گرما] پدر کنعن (Canaan) [تاجر] است» با زקف גדול (zakef gadol) [علامت تلاوتی مکث]؛ زیرا حرارت (חמימות, chamimus) شعله‌های آتش و زبانه آتشی که از نقطه مقابل رو به بالا برمی‌خیزد، همان چیزی است که مرتبه کنعن را برای تجارت پدید می‌آورد، چنان‌که پیش‌تر گفته شد؛ چنان‌که نوشته شده است: «او درمی‌یابد که تجارتش نیکوست»، و الی آخر.

אך מתחלה צריך להקדים בחי' יראה תתאה שהיא נמשכת מבחינת מלכותו ית' שהיא נק' בחי' כנען העליונה דקדושה שמזה יעלה ויבא ויגיע להיות בחי' כנען בידו מאזני מרמה להגיע לבחי' רעותא דלבא בחי' פנימית הלב כנ"ל.

اما نخست باید [این راه را] با مرتبه هیبت فروتر آغاز کرد؛ هیبتی که از مرتبه فرمانروایی (מלכות, Malchus) او، که متبارک است، سرچشمه می‌گیرد؛ این مرتبه «کنعان برین قدوسیت» نامیده می‌شود. از همین‌جا برمی‌خیزد، می‌آید و به مرتبه «کنعن: در دستش ترازوهای فریب است» می‌رسد، تا به مرتبه خواست دل، یعنی مرتبه بُعد درونی (פנימיות, pnimiyus) در قلب، برسد؛ چنان‌که پیش‌تر گفته شد.

15 וזהו קרוב ה' לכל קוראיו לכל אשר יקראהו באמת דהיינו באמתות נקודת לבו שהרי אנו רואים דגנבא אפום מחתרता רחמנא קריא ואעפ"כ [ואף על פי כן] עומד ברשעו ואינו שב מידיעתו

و این [معناي] «نام چهارحرفی (ה', Havayah) به همه کسانی که او را می‌خوانند نزدیک است، به همه آنان که او را به‌راستی می‌خوانند» است؛ یعنی در صدق نقطه قلبش. زیرا می‌بینیم که «دزد بر دهانه تونل، آن مهربان را می‌خواند»، و باین‌همه بر شرارت خود پای می‌فشارد و از آنچه آگاهانه [قصد دارد] باز نمی‌گردد.

וגם **אנו רואים שיש אפילו מי שיוליד אהוי"ר [אהבה ויראה] בלבו וחולפת ועוברת כמו אחר התפלה כנ"ל.**

و نیز می‌بینیم که حتی کسی هست که عشق و هیبت (אהבה وיראה, ahavah veyirah) را در قلبش پدید می‌آورد، اما این حالت می‌گذرد و از میان می‌رود، چنان‌که پس از نماز نیز چنین می‌شود، همان‌طور که پیش‌تر گفته شد.

והיינו מפני שאינו נתפס אלא במוחו ושכלו בבחי' מקיף אבל אינו נכנס לפני ולפנים שיתפעל הלב באמת לאמתו מעומקא דלבא

و این از آن روست که این حالت تنها در ذهن و عقل او ادراک می‌شود، به صورت یک [نور] فراگیر (مקיף, makif). اما به درونی‌ترین ژرفا راه نمی‌یابد تا قلب از ژرفای خود به راستی و به تمامی متأثر شود.

משא"כ כשיקראוהו באמת דהיינו מעומקא דלבא הנה שפת אמת תכון לעד ובל תמוט עולם ועד:

اما برعکس، هنگامی که او را به راستی می‌خوانند، یعنی از ژرفای قلب، آنگاه «لب راستی تا ابد استوار خواهد ماند» و تا ابدالابد نخواهد لغزید.

16 והנה כתיב הקל קול יעקב קדמאה חסר ו' שהוא בחי' קלא דלא אשתמע וקול בתראה מלא ו' שהוא בחי' קלא דאשתמע כמ"ש בזוהר הקדוש.

اکنون نوشته شده است: «صدا، صدای یعقوب (יעקب) است»: واژه نخست [کول (קול, kol)] بدون حرف واو (ו, vav) نوشته شده است؛ این مرتبه صدایی است که شنیده نمی‌شود. واژه دوم «کول» با واو کامل نوشته شده است؛ این مرتبه صدایی است که شنیده می‌شود، چنان‌که زوهار مقدس (זהר) توضیح می‌دهد.

וביאור הדברים הנה בחי' יעקב הוא יו"ד עקב פי' שהיו"ד שהוא תחלת המחשבה ביו"ד נברא עוה"ב [عולם הבא] הוא נמשך לבחי' עקב ורגל שהוא בחי' הדבור.

و توضیح مطلب چنین است: مرتبه یعقوب، «یود-عاقب» (یو"ד عקב, yud-akev؛ یعنی «یود و پاشنه») است. یعنی یود (یو"ד, yud)، که آغاز اندیشه است - «جهان آینده با یود آفریده شد» - به مرتبه پاشنه و پا کشیده می‌شود؛ مرتبه‌ای که همان گفتار است.

ויעקב הוא מברית מן הקצה אל הקצה. מריש כל דרגין. ובכל מדרגות עליונות יש ג"כ בחינת ראש ורגל

و یعقوب همان [میله‌ای است که] «از یک انتها تا انتهای دیگر می‌گذرد»، «از سر همه مراتب». و در همه مراتب برتر نیز جنبه سر و پا وجود دارد،

כמ"ש ועמדו רגליו ביום ההוא וכתוב והארץ הדום רגלי וכתוב ומקום רגלי אכבד ויעקב הוא בחי' יו"ד עקב בכל עולם ועולם לפי ערכו.

چنانکه نوشته شده است: «و پاهای او در آن روز خواهند ایستاد»؛ و نوشته شده است: «و زمین زیرپایی من است»؛ و نوشته شده است: «و مکان پاهایم را گرامی خواهیم داشت». و یعقوب در هر عالم و عالمی، بنا بر اندازه همان عالم، مرتبه یود-پاشنه است.

17 **وهנה בחינת קלא דאשתמע הוא בחי' התורה שהוא בחי' המשכה כמשל הקול המחבר וממשיך מצפוני**

כוונת הלב לבא לידי גילוי בדבור וכך התורה היא בחי' חכמה עילאה בחי' חכים ולא בחכמה ידיעה

اکنون، مرتبه آوای شنیده شده، مرتبه توره است؛ یعنی مرتبه فرودآوردن، مانند تمثيل صدایی که اندیشه های نهان قلب را پیوند می دهد و به ظهور می رساند تا در گفتار آشکار شوند. به همین ترتیب، توره مرتبه حکمت (Chochmah, חכמה) متعالی است؛ مرتبه «حکیم است، اما نه با حکمتی شناخته شده».

שהרי טעמי המצות לא נתגלו להיות בהתגלות רב להבין כל עמקי סודותיה בפרטי פרטות ونמשכה לבחי' גילוי ע"י התלבשותה בדברים גשמיים סדר זרעים מועד וכו'.

زیرا علت های **המצות** (mitzvos؛ فرمان های توره) با گشودگی بسیار آشکار نشده اند تا بتوان همه ژرفای اسرارشان را با ریزترین جزئیات فهمید؛ و توره از راه پوشیده شدن در امور جسمانی به مرتبه ظهور فرود آمده است: ترتیب **زرעים** (Zeraim)، **موעד** (Moed) و جز آن.

18 **وهוא בחי' קול והמשכה של יעקב יו"ד עקב דהיינו מבחי' יו"ד שהוא חכמה עילאה להיות נמשך עד**

עקב והוא עשי' [עשיה].

و این مرتبه صدا و امتداد نزول یعقوب (**יעקب**)، یود - عَقَو (یو"ד **عקב**, yud-akev) است؛ یعنی از مرتبه حرف یود (יו"ד, yud)، که حکمت برین (**חכמה**, Chochmah) است، تا پاشنه، که عالم عمل (**עשיה**, Asiyah) است، پایین کشیده شود.

אך כדי שיהיה האדם כלי ומכון שיהיה חכמה עילאה שורה ומתגלה בו בעסק התורה צריך להיות תחלה בבחי' בטול בבחי' רעותא דלבא

اما برای آن که انسان ظرف و جایگاهی باشد که حکمت برین در آن آرام گیرد و در هنگام مطالعه تورات آشکار شود، او باید نخست در مرتبه خودنهی گری (**ביטול**, bittul)، در مرتبه خواست دل، باشد،

وهוא בחי' קלא דלא אשתמע דרוח אמשיך רוח להיות אור ה' שורה ומתגלה בו להיות חכמת ה' בקרבו בהתגלות וחב"ד [וחכמה בינה ודעת] שבנפשו בטלים וטפלים אליו והוא ענין אתדבקות רוחא ברוחא.

که همان مرتبة صدای ناشنیده است؛ زیرا «روح، روح را جذب می‌کند»، تا نور ه' در او آرام گیرد و آشکار شود، و حکمت ه' در او آشکارا جای گیرد و حکمت (حכמה)، فهم (בינה، Binah) و شناخت (דעת، Daas) در نفس او در برابر او در حالت بیטול باشند و تابع او شوند. و این همان معنای «پیوند روح با روح» است.

19 וע"ז נאמר אלוהי בקרבי וכתוב ואשים דברי בפוך. דברי ממש כי דבר ה' זו הלכה היא היא הנגלית בו והיא המדברת מתוך גרונו.

و درباره این امر گفته شده است: «ה'! من در درون من است»؛ و نوشته شده است: «و سخنانم را در دهانت نهادم». «سخنانم» به معنای حقیقی کلمه؛ زیرا «کلام ه' همان قانون شرعی (הלכה، halachah) است»؛ همین است که در او آشکار می‌شود و همین است که از گلوئ او سخن می‌گوید.

ולכן נאמר על התורה בי ملכים יملוכו. ואמרינן מאן מלכי רבנן. ומתניתא מלכתא.

از این رو درباره تورات گفته شده است: «به واسطه من پادشاهان فرمان می‌رانند»؛ و می‌گوییم: «پادشاهان چه کسانی‌اند؟ عالمان ربانی»؛ و «میشنا (משנה، Mishnah؛ متن بنیادین شریعت شفاهی) ملکه است».

כי להיותו בביטול אל דבר ה' ורצונו וחכמתו ואינו תופס מקום מצד עצמו כלל הנה דבר המלך הוא השלטון והוא בחי' מלך שגוזר ואומר שאם יטעון ראובן כך כו' יהיה כך.

زیرا چون او در برابر کلام ه'، اراده او و حکمت او در حالت بیטول است و از جانب خود هیچ جایگاهی ندارد، «کلام پادشاه نافذ است»؛ و او در مرتبة پادشاهی است که حکم می‌راند و می‌گوید: اگر روبن (راوبن، Reuven) چنین ادعا کند، و مانند آن، حکم چنین خواهد بود،

וכן לעשות כך ושלא לעשות כך וכ' ואינו בבחי' עבד כ"א בעשיית המצות שהוא כעבד המקיים מצות המלך ועושה דבריו:

و نیز: چنین باید کرد و چنان نباید کرد، و مانند آن. او در مرتبة خدمتکار نیست، مگر هنگام انجام فرمان‌های دینی (מצות، mitzvos)؛ در این کار، مانند خدمتکاری است که فرمان‌های پادشاه را به‌جا می‌آورد و سخنانش را اجرا می‌کند.

20 וזהו וישב יעקב בארץ מגורי אביו. וישב הוא ענין השפלה וירידה ממקום עמידתו. ופי' שבחי' יעקב יו"ד עקב נמשך ונשפל להיות בארץ מגורי אביו.

و این [معنای] «و یعقوب (יעקב) در سرزمین اقامت‌های پدرش (مغوری, mezurei) ساکن شد» است. «ساکن شد» (ویשב, vayeshev) بر پایین کشیدن و فرود آمدن از جایگاهی که شخص در آن ایستاده بود دلالت می‌کند. و مقصود این است که مرتبه یعقوب، «یود-پاشنه» (یو"ד עקב, yud-akev)، پایین کشیده و فروآورده می‌شود تا در «سرزمین مغوری پدرش» باشد.

ومغורי יש בו ב' פי' הא' הוא לשון יראה והב' הוא לשון אוצר כמו מגורה מלאה פירות שהוא כלי שאוצרין לתוכו ושניהם עולים בקנה אחד כי יראת ה' היא אוצרו כתיב.

و مغורי دو معنا دارد: معنای نخست، هیبت و ترس است؛ و معنای دوم، انبار است، چنان‌که گفته می‌شود «انبار غله (مغوره, megurah) پُر از محصول»؛ ظرفی که [محصول] را در آن انبار می‌کنند. و این دو معنا با یکدیگر سازگارند، زیرا نوشته شده است: «هیبتِ ה' گنجینه اوست.»

21 וכן בדברי רז"ל [רבوتינו זכרונם לברכה] אוצר של יראת שמים שהיא בחי' יראה עילאה בשרת בבחי' בטול הוא כלי קבול לחכמה עילאה שיהא שורה ומתגלה בו

و همچنین در سخنان حکیمان ما، که یادشان مبارک باد، آمده است: «گنجینه‌ای از ترس آسمانی»؛ این مرتبه هیبت برتر، یعنی هیبت شرم، در مرتبه خودنهی‌گری (بیטول, bittul) است: ظرفی پذیرنده برای حکمت برتر (حכמה, Chochmah)، تا در آن جای گیرد و آشکار شود.

ונקרא مغורי אביו כי יעקב הוא בחי' יו"ד עקב הוא בחי' הארה והמשכה מבחי' חכמה עילאה להמשיך עד סוף כל דרגין. ובחי' חכמה עילאה נק' אביו.

و این «مغوری پدرش» نامیده می‌شود (مغوری, mezurei؛ محل سکونت)، زیرا یعقوب (یعقوب) مرتبه یو"د عקب (یو"د عקب, yud-akev؛ یود پاشنه) است؛ او مرتبه روشنایی و امتداد از حکمت برتر است، تا [آن را] تا فرجام همه مراتب فرود آورد. و حکمت برتر «پدرش» نامیده می‌شود.

22 והנה זה הוא בבחי' יחודא עילאה وאתדבקו' רוחא ברוחא בעסק התורה להיות בטל אליו ית' בבחי' חכמה עילאה כנ"ל.

اکنون، این در مرتبه یگانگی برتر (יחודא عילאה, yichuda ila'ah) و پیوستن روح به روح در اشتغال به تورات است؛ تا در مرتبه حکمت برین (حכמה, Chochmah) در برابر او، متبارک باد، به خودنهی‌گری (بیטول, bittul) برسد، چنان‌که پیش‌تر گفته شد.

אך בבחי' יחודא תתאה דהיינו להיות כלי ומכון לשבתו ית' בבחי' קיום העולם בבחי' מלכותו שיהיה גם בזה שורה ומתגלה בחי' ה' אחד.

اما در مرتبه یگانگی فروتر (יחודא תתאה, yichuda tata'ah), یعنی آن که ظرف و جایگاهی برای سکونت او، متبارک باد، باشد؛ در مرتبه وجود جهان و در مرتبه فرمانروایی او (מלכות, Malchus), تا در این نیز مرتبه «نام چهارحرفی (ה', Havayah) یگانه است» برقرار شود و آشکار گردد:

הנה זה נמשך ע"י ישיבה והשפלי [והשפלה] אחרת ממדתו של יעקב להמשיך מדת חסד מראש כל דרגין עד סוף כל דרגין בארץ התחתונה הוא כנען שהוא בחי' מלכותו ית' ומלך במשפט יעמיד ארץ והוכן בחסד כסא.

این امر از راه استقرار و فرودآمدن دیگری در صفت یعقوب (יעקב) کشیده می شود، تا صفت مهر (חסד, Chesed) را از سر همه مراتب تا پایان همه مراتب، در سرزمین فرودین - یعنی کنعان - فرود آورد؛ سرزمینی که مرتبه فرمانروایی او، متبارک باد، است؛ و «پادشاه زمین را با عدالت استوار می سازد» و «تخت با مهر استوار می شود».

שקיום העולם הוא בחסד כמ"ש עולם חסד יבנה דהיינו בעשיית המצות בכלל ששרשם הוא בחי' חסד ובפרטות הוא מצות הצדקה וחסד שלכן היא נקראת בשם מצוה סתם כו' שהיא שקולה כנגד כל המצות כמ"ש בתניא:

زیرا وجود جهان به واسطه مهر است، چنان که نوشته شده است: «جهان بر مهر بنا می شود»؛ یعنی به واسطه انجام فرمان های دینی (מצות, mitzvot) به طور کلی، که ریشه آنها مرتبه مهر (חסد) است؛ و به طور خاص، به واسطه فرمان صدقه و مهر (מצוה, mitzvah). از این رو آن را به سادگی «מצוה» می نامند، و غیره؛ زیرا با همه فرمان های دینی (מצות) برابر است، چنان که در تانیا (תניא) توضیح داده شده است.



دربارهٔ این نسخه

.the English translation و This edition contains the Hebrew text

The Hebrew text of Torah Ohr: © Kehot Publication Society, via Sefaria, CC BY-NC 4.0; formatting adapted.

.Our English translation, made from the Hebrew without Kehot's notes: CC BY-NC 4.0

This edition as a whole: CC BY-NC 4.0. Shuls, schools and non-profit projects may copy, print and share it freely, and may ask for donations to cover the cost of printing; it may never be sold. Credit Kehot Publication Society and likuteitorah.com. <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

ترجمه و شرح انگلیسی: با کمک هوش مصنوعی (openai/gpt-6-luna-pro:batch) برای likuteitorah.com تهیه شده و با متن عبری و سفاریا مقابله شده است؛ هنوز ویراستار انسانی آن را بازبینی نکرده است. لطفاً هر مطلب مهمی را با متن عبری مقابله کنید.

ربه خواست که ماماریم پارشای آن هفته، «پارشای حسیدی»، در همان هفته و در طول هفت روز آن آموخته شوند (Sichah of Shabbos Parshas Vayakhel 5725 · Toras Menachem vol. 42, pp. 306–309 /parsha). چرا آن را بیاموزیم و برکات ربه: likuteitorah.com/about/the-chassidishe-parsha

پروژه‌ای رایگان و غیرتجاری؛ هیچ‌چیز در اینجا فروخته نمی‌شود. وابسته به Kehot, Sefaria یا کتابخانهٔ لوباوویچ نیست. © likuteitorah.com

[/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/vayeishev/1](https://likuteitorah.com/fa/torah-ohr/vayeishev/1)

تقدیم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربه، رب لیوی بیتسخاک